

پرورد گارا آمرز گارا چگونه زبان بستایشت گشایم ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۱۱۲۸

اسکندریه

محمد

آقا

حاجی

جناب

بواسطه

کنیز جمال مبارک ورقه موقنه رقیه سلطان علیها بهاء الله

هو الله

مناجات طلب مغفرت بجهت متصاعد الی الله جناب حاجی عبد الرحیم علیه بهاء الله الاهی

هو الاهی الاهی

پرورد گارا آمرز گارا چگونه زبان بستایشت گشایم و پرستش و نیایش نمایم تقریر عین تقصیر است و تحریر دلیل نادانی در این امر عسیر زبان آتی است مرگب از عناصر صوت و بیان عرضی است از عوارض بآلت عنصری و صوت عارضی چگونه توان نعت و ستایش حضرت بیچون گفت آنچه گویم و جویم از مدرکات عالم انسانی است و در تحت احاطه عالم بشری نتایج فکریه چگونه بمعارج الهیه رسد و عنکبوت اوهام چگونه بلعاب ظنون و افهام بر رفرق تقدیس تند جز بیان عجز چارهئی نه و بغیر از اعتراف بقصور بهانهئی نیست تو غنی متعالی و مقدس از ادراک عقول اهل کمال

پس بذکر بندهات زبانا بیارایم و بیاد او در انجمن عالم پردازم آن بنده از بدو طفولیت بنیتی چون شمع روشن در محفل وجود محشور شد و از پستان محبت شیرخوار گشت در مهد عنایت پرورش یافت و در آغوش فضل و احسانت نشو و نما نمود تا آنکه فروغ بلوغ یافت و بمقام رشد رسید بکلی توجه بساحت اقدست نمود و بتبل و تضرع بملکوت تنزیهت کرد از جام تقی سرمست شد و بنور هدی مهتدی گشت شب و روز منتظر مشاهده آیات کبری بود و دمدم مترصد اشراق نور از ملا اعلی تا آنکه صبح حقیقت دمید و انوار هدایت تایید موقن بنقطه اولایت شد و مؤمن بجمال ابهت گشت در سبیلت بلایا دید و در راهت اذیت و جفا کشید صدمات شدید خورد و مشقات عظیمه تحمل کرد تا آنکه از بوم و بر و



ORIGINAL

وطن بیزار شد و آهنگ کوی مطلع انوار نمود در ظلّ عنایت مأوی جست و در جوار مرحمت منزل کرد همیشه ملحوظ لحاظ رحمت بود و منظور نظر عاطفت جز رضای تو مقصدی نداشت و جز بلای در سبیلت آرزویی نمی نمود شب و روز را بد کرد یاد جمالت مشغول بود و بتبتّل و تضرّع و مناجات مألوف بعد از صعود آبی فارغ نبود هر دم تمنّای عدم می کرد و هر نفس بانفاس قدسی جان و دل زنده می نمود در سرّ دل و جان و فؤاد ندای ادراکنی یا ربّی الرحمن می زد و در قلب و وجدان آرزوی ملکوت یزدان می نمود تا آنکه در کمال مسرّت و بشارت کأس وفا نوشید و از سکرات ممت نجات یافت و بملکوت رحمانیت عروج نمود و بافق عنایت صعود کرد

ای پروردگار تو آمرزگاری ای کردگار تو بزرگواری این بنده عزیز را در نزل عزّت مأوی ده و این بیچاره افتاده را در جوار رحمت سر و سامان بخش از جام لقا بنوشان و در ظلّ شجره طوبی مسکن و مأوی ده بموهبت لقا مشرف دار و بسعادت ابدیه معزز فرما و بازماندگان آن نفس نفیس را مؤید فرما تا بر قدم آن پدر عزیز رفتار نمایند و بخلق و خوی او بین عالمیان محشور شوند راه تو پویند و رضای تو جویند و ثنای تو گویند توئی خداوند مهربان و توئی یزدان منّان ع ع

هو الله

ای امة الله این مناجات فارسی در طلب قرب و لقاء در ملکوت اهی بجهت حضرت حاجی مرقوم گردید در نزد شما باشد تا روز ختم در بین جمع تلاوت گردد و علیک البهاء ع ع